گزارشی از ۱۰ مشخصه اقتصاد در آغاز به کار دولت روحانی

۳ سال سخت با شبح احمدی‌نژاد

احسان سلطانی
پژوهشگر اقتصادی

اقتصاد نفتی: در دوره اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۷۸)، درآمدهای صادرات نفت خام از کمتر از ۲۰ میلیارد دلار در سال به‌تدریج افزایش یافت و به بیش از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ صعود کرد. ویژگی بارز این دوره، ارتای روزافزون اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و همچنین حاصل از صادرات انواع مواد خام و اولیه دیگر اعم از سنگ‌آهن، فلزات خام، تولیدات پتروشیمی و حتی محصولات کشاورزی با ارزش افزوده پایین بود. در دوره ۹۰-۱۳۷۸ رشد متوسط سرانه سالانه اقتصاد از ۳.۶ درصد بالغ شد و رشد متوسط سالانه بخش‌های بانکی ۸.۷، صنعت ۶.۷، خدمات ۴.۶ و کشاورزی ۰.۷ درصد بوده است. از حل درآمد حقیقی اقتصادی ایجادشده در این دوره، سهم خدمات (بدون مستغلات) ۳۹، ساختمان و مستغلات ۲۲، صنعت ۱۹ و کشاورزی ۲.۴ درصد است که ـ ملاحظه می‌شود سهم بخش‌های ساختمان و مستغلات از بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی بیشی گرفته است. تفوق بخش‌های نامولد، کیفیت اقتصاد ایران را به‌شدت پایین آورده که اصولا اقتصادی کمیت‌گرا به جای کیفیت‌گرا محسوب می‌شود. در دوره اقتصاد نفتی، میزان مشارکت بخش‌های خدمات (بدون مستغلات)، نفت و ممکن + مستغلات به‌ترتیب ۳۳، ۲۳ و ۱۹ درصد و از سوی دیگر، بخش‌های صنعت و کشاورزی به‌ترتیب ۹.۲ و ۴.۹ درصد (جمعا ۱۴.۲ درصد) از کل ایجاد درآمد اسمی (ارزش جاری) اقتصاد کشور بوده که نشان‌دهنده اوج تفوق و تسلط بخش‌های غیرمولد در اقتصاد است. در این دوره ارائه بیماری هلندی در اقتصاد کشور با شدت‌وحدت زیادی ملاحظه می‌شود. بخش‌های نامولد به‌ویژه تورمی کل اقتصاد به میزان ۶.۳ برابر، نرخ آب برای بخش ساختمان (غیرقابل‌تجارت) ۹.۴ و برای بخش صنعت (قابل تجارت) ۳.۳ برابر بوده است. در نیمه دوم دهه ۸۰، سهم بخش صنعت و معدن از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور از ۱۸ درصد به ۹ درصد تنزل یافت و درهمین حال سهم بخش مستغلات از ۴۲ درصد به ۲۴ درصد صعود کرد. توسعه خدمات در این دوره اصولا به بلوغ بیشتر بازار بالادستی دولتی و شبه‌دولتی معکی به رانت منابع طبیعی و انرژی (پتروشیمی، سیمان و فلزات اساسی) یا بازارهای محافظت‌شده در بر داورات (خودروسازی) بود که منجر به ایجاد ارزش افزوده بالا نشد و با وجود سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته، در شرایطی که در دهه ۸۰ ارزش تولید صنایع سنگین کرد ۳۵.۵ برابر شد، میزان نیروی کار شاغل در آنها تغییری پیدا نکرد. در دوره ۹۰-۱۳۷۸ به‌ترتیب اهمیت چهار صنعت خودروسازی، شیمیایی (پتروشیمی)، فلزات اساسی و کانی غیرفلزی (سیمان) عهده‌دار در حدود دوسوم ارزش افزوده صنعتی ایجادشده به شمار می‌روند. بنابراین نوع با تصنیعف صنایع استغال‌زای کوچک و متوسط باین‌دستی و با وجود کسب بیش از هزار میلیارد دلار درآمدهای نفتی، تراز اشتغال کشور صفر بوده و اشتغال صنعتی کاهش داشته است. درحقیقت آنچه با صرف در حدود ۷۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری صنعتی و خدماتی بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار یا گسترش صنایع پتروشیمی، فولاد و کانی غیرفلزی (سیمان) انجام شد، در اصل بیشتر با هدف رهایی از زهکش منابع طبیعی کشور و تله‌های رانت بود.

در سال ۱۳۹۰ سهم بخش‌های مولد (صنعتی و کشاورزی) از کل تولید ناخالص داخلی ایران به ۱۷ درصد تنزل یافت که به‌مراتب کمتر از اغلب اقتصادها و حتی کشورهای عربی بود و درهمین حال سهم ارزش افزوده بخش خدمات به ۵۳ درصد رسید. بخش خدمات که در کشورهای توسعه‌یافته با تکیه بر خدمات صنعتی و خلق ارزش افزوده، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، عملا در ایران علیه بخش‌های مولد فضای فعالیت خود را گسترش داد. در این سال، در شرایطی که بیش از ۷۰ درصد تجارت جهانی مبتنی بر صادرات کالاهای نهایی بود، بیش از ۸۵ درصد صادرات کشور را مواد خام و به همین میزان واردات کشور را کالاهای نهایی تشکیل داد. درمجموع توسعه اقتصادی این دوره و به‌ویژه در بخش صنعت بی‌کیفیت بود. چنانچه با وجود نرخ رشد سرانه اقتصادی بالاتر ایران نسبت به خیلی از کشورها (برای مثال ترکیه، مالزی، عربستان و شیلی)، آنها از ایران به‌شدت جلو افتادند. مقایسه درآمدهای نفتی ایران با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در دوره هشت‌ساله (۹۲-۱۳۸۴) نشان می‌دهد این درآمدها معادل با رتبه پنجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان بوده و از کل سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه آسیای غربی یا آفریقا نیز بیشتر است. بنابراین مشکل کمبود کمبود سرمایه و منابع مطرح نبوده است. طنز تلخ تاریخ کشور این است که با وجود تجربیات تلخ نیم‌قرن اخیر، دولتمردان کشور به‌تدریج از ابتدای دهه ۸۰، عمق وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی را هر روز بیشتر کردند و با اخذ سیاست‌های اقتصادی علیه تولید (و به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی) از قبیل افزایش مستمر هزینه‌های تولید و از سوی دیگر، محافظت‌شده در برابر واردات (خودروسازی) بود که منجر به ایجاد ارزش افزوده بالا نشد و با وجود سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته، در شرایطی که در دهه ۸۰ ارزش تولید صنایع سنگین کرد ۳۵.۵ برابر شد، میزان نیروی کار شاغل در آنها تغییری

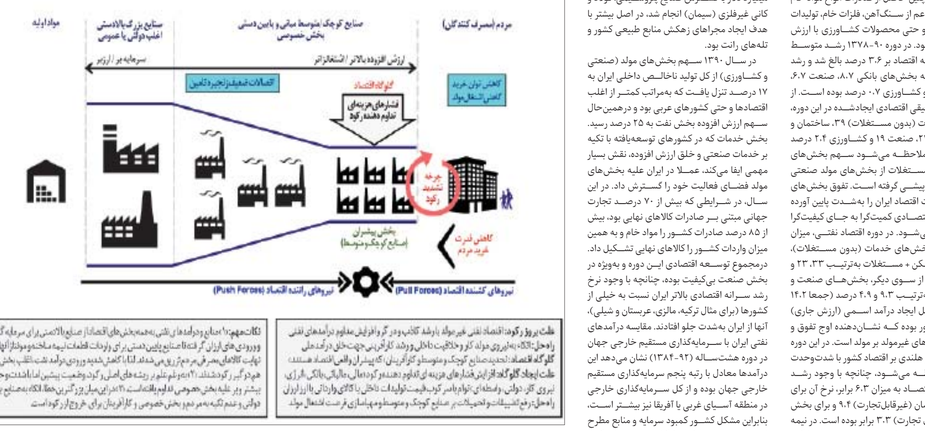

نکات مهم: ۱) منابع درآمدها از نفتی، به‌همه بخش‌های اقتصاد؛ صنایع بالادستی برای سرمایه گذاری و ورودی های ارزان گرفته تا صنایع پایین‌دستی برای تولیدات قطعات نیمه ساخته و مونتاژ آنها و در نهایت کالاهای مصرفی هر مرحله رو می‌دهد. لذا، اگر شدید و روزی درآمد نفت، نقش بخش‌ها را هم‌دگر بر کرد شدند. ۲) به‌خوشه‌ها و رشته‌های اصلی و کوچک وضعیت پیشین را بازیافت نمی‌کند. بیشتر و پر بلند بخش خصوصی نادیده بافته است. ۳) در این میان، برای دو گزرین بخش‌ها که اتکای وارداتی ما از زیرزمین دولتی و غنم تکیه به هر دو بعد بخش خصوصی و کارآفرینان برای خروج از رکود است.

علت بروز رکود: اقتصاد نفتی غیرمولد، با رشد کاذب و در گرو افزایش معلوم درآمدهای نفتی و درآمدهای نفتی به‌ورزی مولد کم و ملاکیت داخلی و رشد کارآفرینی جهت خلق درآمد ملی.
گلوگاه اقتصاد: تحمیل صنایع کوچک و متوسط کارآفرینان، که پیشران واقعی اقتصاد هستند.
علت ایجاد گلوگاه: افزایش فشارهای هزینه‌ای که دولت و دهنده‌گرد دهانی، مالیات، بانک، قرارداد نیروی کار، دولتی، و فشارهای تورم‌آور قیمت، تولیدات داخلی با کاکای وارداتی با ارزبرترین واردات دولتی و غنم تکیه به هر دو بعد بخش خصوصی و کارآفرینان برای خروج از رکود است.

راهکار: افزایش توان مصرف با ایجاد اشتغال (مولد)

راهکار: اقتصاد بی‌نفت

راهکار: افزایش توان مولد با حمایت از کارآفرینی

در راستای سیاست‌گذاری‌های خروج از رکود، اشتباهات راهبردی مهمی در تبیین ریشه‌های رکود تورمی و تعیین راهکارهای گریز از آن صورت گرفت که عبارتند از: (۱) ادعا شد رکود از جانب تقاضا نبوده و در سطح عرضه است یا به عبارتی دیگر، مردم دارا بوده و توان مصرف دارند. واقعیت امر این است که رکود بیشتر در مسیر تقاضا و به‌تدریج از اواسط دهه ۸۰ به بعد شکل گرفته است. مهم‌ترین دلیل آن کاهش فعالیت صنایع کوچک و متوسط و ازبین‌رفتن زمینه‌های کسب درآمد و توان مصرف عامه مردم است. (۲) نقش کلیدی و محوری فعالیت مردم و بنگاه‌های مولد کوچک و متوسط در حاشیه دیده شد و (۳) صنایع بزرگ بنرسازی لازم برای رشد فعالیت مولد و کارآفرینی و رفع تضیقات و تحمیلات موجود ضمن افزایش ایجاد اشتغال و درآمد ملی، از منظر صنایع جامعه دارند و با لابد بزرد و خروج از رکود را رقم می‌زد. همچنین دراین‌میان بازسازی و بازآرایی برنامه‌ریزی‌شده ساختارها و نهادهای اساسی نیز قابل پیگیری بود. اما آنچه در عمل تحقق یافت، عبارت است از: (۱) عدم کوچک‌سازی و چابک‌سازی و کاهش مؤثر نفت و ترکیدن حباب اقتصاد کاذب وابسته به آن، بالطبع اقتصاد با واماندگی و پسرفت روبه‌رو شده بود. ۱۰ مشخصه اصلی و مهم اقتصاد ایران در ابتدای شروع به کار دولت یازدهم را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: (۱) فقدان درآمدهای مکفی نفتی برای اداره امور کشور. (۲) کاهش توان مولد اقتصادی و به‌ویژه تحدید و تضعیف بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین و مولد بخش خصوصی (صنعتی و کشاورزی). (۳) تنزل توان مصرف خانوار و فقیرترشدن عامه مردم و کاهش میزان اشتغال مولد. (۴) وجود دولت بزرگ و ناکارا با کارآمدی پایین و هزینه بالا. (۵) تحریم‌ها و قطع روابط بانکی و تجاری با کشورهای توسعه‌یافته و ائتکا به کشورهای درحال‌توسعه. (۶) رند نزولی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد ـ از نیمه دهه ۸۰. (۷) تسلط سوءجهی بخش‌های نامولد رانتی سفته‌بازی (مستغلات)، سودآوری (واردات) و دلالی چندان اتصال نداشته و شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی پایین‌دستی قدرتمندی که شکل‌گرفته است (برای مثال، خودروسازی با مونتاژ کسترده قطعات وارداتی). از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های دولت در جهت تضعیف شبکه‌های داخلی و صنایع پایین‌دستی اشتغال‌زا رقم نخورد. برای مثال در سال ۱۳۹۳، خوراک پتروشیمی‌ها با نرخ ارزان تامین شد. اما محصولات آنها با نرخ از آزاد به تولیدکنندگان پایین‌دستی عرضه شد و درهمین‌حال از دولتی با نرخ مبادله‌ای در اختیار واردکنندگان کالاهای مصرفی (نهایی پتروشیمی) قرار گرفت. به نظر می‌رسد تحمیل بخش‌های پیشران بیشتر در جهت صادرات صنایع بزرگ دولتی و شبه‌دولتی و کسب درآمدهای ارزی برای گذران امور جاری دولت بوده است.

رویه منطقی، طبیعی و مورد انتظار از دولت این بود که تا این فرصت طلایی استفاده کرده و مقدمات دوران اقتصاد بدون نفت را با تسهیل فضای فعالیت و شرایط کسب‌وکار نیروهای مولد و کارآفرین به‌ویژه در بخش خصوصی فراهم کند. اما دولت ضمن نادیده‌گرفتن پتانسیل نیروی مولد بخش خصوصی، با تکیه بر صنایع بزرگ دولتی و شبه‌دولتی و افزایش هزینه‌های فعالیت بخش مولد خصوصی و مالیات‌ها، رویکردی بس متناقض و متضاد برای خروج از رکود در پیش گرفت و به‌تدریج رکن اصلی سیاست اقتصادی خود را بر محور چرخه باطل دولت‌های پیشین مستقر کرد. در این میان دولت نقطه قابل توجهی داشت خود را بر افزایش درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی یا با ارزش افزوده کم قرار داد و به امید برطرف‌شدن تحریم‌ها و کسب درآمدهای نفتی نشست. سه سال زمان ارزشمن از دست رفت. به قول بیهقی «قضا در کمین بود. کار خویش می‌کرد»؛ و قیمت‌های نفت چنان سقوط کرد که درآمدهای نفتی نیمه دوم دهه ۸۰ در میان‌مدت نیز دور از انتظار خواهد بود. فاجعه درست و طبیعی بروزرفت از رکود این بود که دولت با کوچک‌سازی بدنه و چابک‌سازی و ارتقای کارآمدی و کارایی خود، به جای یاری به دوش اقتصاد، پشتیبان و کمک‌کار آن شود. از سوی دیگر، بسترسازی لازم برای رشد فعالیت مولد و کارآفرینی و رفع تضیقات و تحمیلات موجود ضمن افزایش ایجاد اشتغال و درآمد ملی، از منظر صنایع جامعه دارند و با لابد بزرد و خروج از رکود را رقم می‌زد. همچنین دراین‌میان بازسازی و بازآرایی برنامه‌ریزی‌شده ساختارها و نهادهای اساسی نیز قابل پیگیری بود. اما آنچه در عمل تحقق یافت، عبارت است از: (۱) عدم کوچک‌سازی و چابک‌سازی و کاهش مؤثر از محل صادرات نفت خام. از سقف یک‌سوم سال ۱۳۹۰ فراتر نرود. بنابراین بنا وجود همه تلاش‌های دولت برای کسب درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و مشتقات آن، سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ سخت‌ترین سال‌های رنج برد قرن اخیر از نظر کمبود درآمدهای نفتی محسوب می‌شوند. بعد سند نفتی اوپک از زمان سقوط نفت به کمتر از ۳۰ دلار در هر بشکه در اوایل سال میلادی جاری، روند رشد نسبتا مداومی را تا نزدیک مرز ۶۰ دلار در ماه جاری میلادی (ژوئن)، در حال تجربه‌کردن است و متوسط بهای پنج‌ماهه اول سال ۲۰۱۶ میلادی به بیش از ۳۴ دلار در هر بشکه رسیده است. بنابراین ملاحظه می‌شود با وجود افزایش صادرات نفت ایران، قیمت‌ها نیز بالا رفته است. درمجموع دولت حداکثر تلاش خود را در زمینه کسب درآمدهای نفتی و بانیایی بخش‌های بدون‌استفاده در زمان تحریم‌ها مبذول داشته و عملکرد موفقی دراین‌باره ارائه کرده است.

صنعت

با توجه به اینکه به صورت متوسط حدود دو سال از زمان سرمایه‌گذاری تا بهره‌برداری از واحدهای صنعتی به طول می‌انجامد، هنوز زود است در زمینه میزان سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در سه سال اخیر اظهارنظر شود، اما با توجه به شرایط تحریم و رکود اقتصادی، بی‌تردید رشد افول سرمایه‌گذاری صنعتی که البته از سال ۱۳۸۵ آغاز شده، کماکان استمرار یافته است. بررسی داده‌های جاری تابستان صنعتی نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳، میزان اشتغال و سرمایه‌گذاری این جوارها بیش از ۲۰ درصد کاهش داشته است. هرچند درمجموع کروه محصولات وسایل نقلیه، وسایل خانگی، فلزات اساسی و پتروشیمی رشد تولید درخوتجویی را در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲ تجربه کردند، اما در سال ۱۳۹۴ به استثنای میزان تولیدات پتروشیمی که تقریبا ثابت ماند، بقیه اقلامی که به آنها اشاره شد، دچار کاهش تولید شدند. نتمن آنکه کاهش قیمت‌های تولیدات صنعتی جهانی بر صادرات اقلامی از قبیل فلزات اساسی و به‌تبع آن، تولید آنها تاثیرگذار بوده است. اما استمرار رکود در صنایع کشور به ناکارآمدی و درنتیجه شکست سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی خروج از رکود که درباره آن بحث شد، برمی‌گردد. درمجموع دولت دهه هشتم توان و تلاش خود را در جهت اصلاح از منابع بزرگ دولتی و شبه‌دولتی معطوف کرد، اما کارنامه عملکرد آن درباره صنایع کوچک و متوسط ضعیف ارزیابی می‌شود. افزایش هزینه‌های تولید، نیروی کار، خدمات دولتی و مالیات‌ها به همراه سرکوب بهای فروش تولیدات (نظر به واردات گسترده و رکود عمیق) در کنار بی‌توجهی مسئولان ذی‌ربط به بهای تصنیعف هرچه بیشتر این بخش مهم اقتصاد تمام شد.

مسکن

در نیم‌قرن اخیر تا سال ۱۳۸۰، نرخ رشد بهای زمین و مسکن پیش‌رو در حول‌وحوش نرخ تنزل قرار، منجر به ازدست‌رفتن حدود نیمی از درآمدهای ریالی قابل وصول نسبت به قبل شد. در سال جاری با وجود افزایش صادرات نفت و مشتقات آن به قبل از تحریم‌ها، عوامل مهم و تاثیرگذار زیر مانع از رشد درآمدهای مؤثر ریالی دولت خواهد شد: (۱) کاهش بهای نفت. (۲) افزایش هزینه‌های سرباز وظیفه و فوق نفت و (۳) تثبیت نرخ ارز با وجود افزایش تورمی هزینه‌های دولت. بنابراین در چنین‌بنابه‌ترین شرایط پیش‌بینی می‌شود در سال جاری، درآمدهای ریالی مؤثر (با تعدیل تورم) دولت هزینه‌های دولت، (۲) افزایش نرخ رشد هزینه‌های کاهش نرخ رشد هزینه‌های حاکمیتی (بودجه جاری) و طرح‌های عمرانی، (۳) کسب درآمدهای حاصل از نفت و منابع طبیعی و مطالبات نفتی به طر طریق و بهای ممکن جهت گذران امور دولت. در این زمینه می‌توان به واردات گسترده کالاهای پنجل و بی‌کیفیت چینی، هندی و دیگر کشورهای طرف معامله (از منسوجات و پوشاک گرفته تا خودرو و قطعات آن) برای تسویه مطالبات ایران اشاره کرد. (۴) سرکوب قیمتی تولیدات داخلی با واردات گسترده کالاهای مصرفی و همراه با آن افزایش هزینه‌های تولید داخلی، اعم از انرژی، مالی، نیروی کار، مالیاتی و ... (۵) همزمان با ایجاد تضیقات و تحمیلات و بالابردن هزینه‌های تولید و کسب‌وکار، افزایش بی‌رویه اخذ مالیات به هر طریق ممکن از صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی. نکته تاسف‌آور، انتقال بار مالیاتی کسب‌وکار به بخش مولد خصوصی و اخذنکردن مالیات از صاحبان ثروت و منافع باادوده و درهمین‌حال افزایش اندک بار مالیاتی بخش‌های بازرگانی و واسطه‌ای و غیرمولد در مقایسه با مالیات‌های مولد صنعتی است و (۶) با توجه به عدم تکافوی درآمدهای حاصل از صادرات مواد خام و اولیه و اخذ مالیات از نیروهای مولد بخش خصوصی، اقدام به کسب درآمد از مردم از هر طریق ممکن از فروش خدمت سربازی و افزایش نرخ جرائم رانندگی گرفته تا بالابردن عوارض و بهای آب و برق و خدمات دولتی.

رکن اصلی و مهم سیاست اقتصادی دولت کوتونی کنترل تورم است. اما درهمین‌حال نقدینگی افزایش می‌یابد. حجم بزرگ دولت حفظ شده و کارایی آن افزایش نمی‌یابد. هزینه‌های خدمات دولتی و انرژی افزایش نمی‌یابد. مالیات تولیدکنندگان به‌شدت بالا رفته و دسترسی و هزینه تامین سرمایه در کردش نیز افزایش می‌یابد. سازوکار موجود به نحوی تنظیم شده که از تولیدکننده، مالیات مضاعف (حتی با زیان‌دهی) به‌اجبار اخذ شده و به‌رغم عدم پرداخت یارانه تولید، یارانه به تولندمدان پرداخت می‌شود. فشار بار مالیاتی به تولیدکنندگان انتقال یافته و از بخش توزیعی و وارداتی کم شده و دراین‌میان هیچ قدمی در جهت اخذ مالیات از درآمدهای باادوده و صاحبان ثروت برداشته نمی‌شود.

نفت

با بروز تحریم‌ها و کاهش شدید حجم صادرات نفت از اسال ۱۳۹۱، درآمدهای نفتی ایران روند تنزلی شدیدی را تجربه کرد و پس از آن سقوط تدریجی بهای نفت از اواسط سال ۱۳۹۳، این روند را شدت بخشید. همزمان با تشدید تحریم‌ها و کاهش صادرات نفت در سال ۱۳۹۱، افزایش بیش از دورابرسری نرخ ارز مانع از افت درآمدهای ریالی دولت شد که در سال ۱۳۹۲ عم این روال ادامه یافت. سقوط شدید بهای نفت در سال ۱۳۹۴ به کمتر از نصف سال قبل از آن و افزایش‌نیافتن قابل ملاحظه نرخ تبدیل ارز، منجر به ازدست‌رفتن حدود نیمی از درآمدهای ریالی قابل وصول نسبت به قبل شد. در سال جاری با وجود افزایش صادرات نفت و مشتقات آن به قبل از تحریم‌ها، عوامل مهم و تاثیرگذار زیر مانع از رشد درآمدهای مؤثر ریالی دولت خواهد شد: (۱) کاهش بهای نفت. (۲) افزایش هزینه‌های سربازوظیفه و فوق نفت و (۳) تثبیت نرخ ارز با وجود افزایش تورمی هزینه‌های دولت. بنابراین در چنین‌بنابه‌ترین شرایط پیش‌بینی می‌شود در سال جاری، درآمدهای ریالی مؤثر (با تعدیل تورم) دولت از سرجمع عمومی تورم و رشد تورمی کالاها و کالاهای قابل تجارت به همین مقدار بایین‌تر از نرخ عمومی تورم بوده است. این امر ضمن اینکه تداوم بیماری هلندی اقتصاد را نشان می‌دهد، حاکی از این است که کاهش نرخ تورم نه از طریق کاهش کلی و متوازن نرخ همه کالاها و خدمات مصرفی، بلکه به علت سرکوب بهای تولیدکننده صنعتی و کشاورزی حاصل شده است. درهمین‌حال بهای خدمات دولتی، انرژی و مالیات‌ها در نرخی به‌مراتب بالاتر از نرخ کلی تورم بالا رفته است. تعمیق رکود و سکوب قیمت‌ها (با واردات ارزان‌قیمت) منجر به زیان‌دهی اغلب تولیدکنندگان صنعتی و کشاورزی شده و با وجود افزایش هزینه‌ها، با توجه به کشش ضعیف تقاضای بازار، آنها نتوانسته‌اند تولیدات خود را به قیمت تمام‌شده واقعی بفروشند. کاهش نرخ تورم در نتیجه تعمیق رکود و سکوب بهای تولیدکنندگان داخلی و از سوی دیگر، رفع شوک تورمی ناشی از افزایش نرخ ارز و کاهش عمومی بهای کالاها در سطح جهان به دست آمده و عواملی از قبیل حجم بالای نقدینگی، افزایش سرعت گردش پول، برکشت روتق به بازارهای داخلی و رشد اقتصاد جهانی، تداوم آن را به صورت جدی تهدید می‌کند.

ارز

هرچند کمبود شدید منابع ارزی، منجر به فشار مستمر بر افزایش نرخ تبدیل ارز در سال ۱۳۹۴ شد، اما از یک سو شرایط رکودی (و کاهش تقاضای ارز) و از سوی دیگر، مقاومت دولت موجب شد بهای ارز چندان تغییری نسبت به سال ۱۳۹۳ نداشته باشد و درنهایت نرخ تبدیل ارز مؤثر حقیقی کاهش یافت. با وجود کاهش قدرت رقابتی صادرکنندگان در بازارهای صادراتی و همچنین تولیدکنندگان در بازارهای داخلی، نظر به اینکه قیمت‌های داخلی به نرخ ارز حساسیت بالایی ندارند، کنترل نرخ تبدیل به ارز با وجود تضعیف تولید داخلی به‌نفع صادرکنندگان تمام شد. درخصوص افزایش قدرت کشور نیازمند یک نظام ارزی با افق بلندمدت و از سوی دیگر، بدون اتکا به ارز حاصل از فروش منابع خام و اولیه است.

مالیات‌ها

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، درآمدهای مالیاتی حد هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. هرچند در استقرار دولت یازدهم از سال ۱۳۹۲، بودجه کل کشور ۳۱ درصد افزایش داشته، اما میزان وصول درآمدهای مالیاتی دو برابر شده که به مفهوم افزایش ۳.۵ برابری مالیات‌ها نسبت به رشد بودجه کل کشور است. از سوی دیگر، با توجه به برآورد افزایش تولید ناخالص داخلی (اسمی) به میزان ۵۰ درصد در سال جاری، ملاحظه می‌شود نرخ رشد مالیات‌ها دو برابر بیش از رشد اقتصاد،تورم است.

ادامه در صفحه ۱۲

دریچه

دولت محافظه‌کار و عاقبت اندیش

پدرام سلطانی

تاکنون در ایران شرایطی به وجود نیامده بود که از چند وجه خود را بر اقتصاد کشور تحمیل کنند و به همین واسطه، نحوه برخورد با این شرایط نیز در تجربه مدیریتی کشور وجود نداشته است. مثلا ما از ابتدای پیروزی انقلاب تحریم‌های جسته‌وگریخته‌ای از سوی آمریکا داشتیم اما هیچ‌گاه تمرکز و انسجام تحریم‌ها به شدت سال‌های ۹۱ تا ۹۴ نرسید. از دیگر سو همواره دولت‌های بعد از انقلاب به‌دهگرایی‌هایی داشتند اما هیچ زمانی به‌دهی‌های انباشته و متنوع دولت به میزان و نوع امروزی نرسیده بود. همچنین در برخی مقاطع در اقتصاد ایران شاهد رکود به‌واسطه اعمال رکودهای مزمن و فراگیر مانند رکود اخیر، حتی در زمان جنگ نیز نظیر نداشت. مسئله دیگری این است که همواره دولت‌های پس از انقلاب با اتکا به درآمدهای نفتی، ناکارآمدی‌های بودجه‌ای و کسری‌های درآمدی خود را پنهان می‌کردند اما هیچ‌گاه، حتی در دوره‌های کاهش قیمت نفت هم، به واسطه اینکه تحریمی در فروش نداشتیم مانند سال‌های ۹۱ تا ۹۴ شاهد کاهش درآمدهای نفتی دولت نبوده‌ایم. این توضیحات از این باب است که روشن شود دولت یازدهم در شرایطی مدیریت کشور را به دست گرفت که اقتصاد شرایط خاصی را تجربه می‌کرد درحالی‌که مدیران کشور تا آن‌زمان تجربه رویاروییی با چنین موقعیت‌هایی را نداشتند. در این شرایط، دولت عزم و همت خود را بر این استوار کرد که با تثبیت محیط کلان اقتصاد، شرایط را به سمت بهبود و خروج از رکود سوق دهد اما این اتفاق نیفتاد، چراکه نقشه‌راه تیم اقتصادی دولت مبنی بر اینکه چگونه اقتصاد به سمت شرایط بهتری سوق پیدا می‌کند، عملا جواب‌گو نبود.

دولت یازدهم خود شش تا ۹ ماه ابتدای کار، برای اصلاح بخشنامه‌ها، تصمیمات و مقررات وضع‌شده از سوی دولت قبلی که تنگناها و محدودیت‌هایی را در اقتصاد ایجاد کرده بودند، تلاش کرد و این اصلاحات باعث شد آثار ناشی از کنایش‌های مربوطه تا حدی در اقتصاد آشکار شود اما بعد از آن، لازم بود دولت نسخه و برنامه‌ای متناسب با شرایط خاص اقتصاد کشور ارائه کند که وضعیت را به سوی شرایط مطلوب‌تری ببرد اما به‌دلیل نبود همان تجربیات خاص در تاریخ مدیریت اقتصادی کشور، دولتمردان اقتصادی، آثار و تبعات شرایط موجود را مانند شبح ادواری که در رکود بوده‌ایم، برآورد کرده و مانند آن شرایط، دست به اقدامائی زدند که پس از خروج موقت از رکود و مثبت‌شدن نرخ رشد اقتصادی، دوباره نرخ رشد به بازه‌های صفر و نزدیک به صفر برگشت.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، انتظار دولت از نتایج برجام بود. در حقیقت دولت تلاش و تمرکز فوق‌العاده‌ای بر بیشبرد مذاکرات هسته‌ای معطوف کرد که البته برای دستیابی به نتیجه مطلوب در زمان مورد انتظار، لازم بود این مسئله مهم‌ترین دستاورد دولت یازدهم قلمداد می‌شود؛ اما همه مسائل اقتصادی به معیار بیرونی گره‌خورده شد که در بیشبرام بایدها باید انجام شود. کشایش بانکی است اما متاسفانه سیستم بانکی ما در چند سال اخیر چنان در منجلاب سیاست‌گذاری، اقدام و مدیریت غلط و نبود نظارت مکفی و وجود فشارهای خردکننده تحریم قرار گرفته که امروز از استانداردهای حداقلی مورد نیاز برای برقراری روابط بانکی بین‌المللی بسیار فاصله گرفته است.

دولت یازدهم در کارنامه اقتصادی خود موفقیت‌هایی نیز داشته است، ازجمله اینکه در مهار تورم توانسته به‌خوبی عمل کند گرچه این بحث چندین روز دارد که اگر نرخ تورم با آهنگ آهسته‌تری کم می‌شد. شاید رکود اقتصادی به شکل اموزی دامنه‌دار و عمیق نمی‌شد. همچنین دولت در مهار نقدینگی و انضباط پولی نیز موفقیت نسبی داشته است و انعکاس این در دو را در مهار نرخ تورم می‌توان دید گرچه در بحث انضباط پولی انتظار می‌رفت در کنترل مؤسسات مالی غیرمجاز عمل‌گرایی بیشتری از خاطر شود که این اتفاق نیفتاد.

البته من توفیق دولت در بحث انضباط مالی را کمتر می‌دانم گرچه دولت اظهار می‌کند نرخ رشد بودجه سنواتی و بودجه جاری تقریبا متناسب با ت